



## مقدمات تدبیر در قرآن

جلسه دوم: ۹۴/۴/۷

\* برای تدبیر در یک سوره مراحل مختلفی وجود دارد که به ترتیب به شرح ذیل می‌باشد:

مراحل کار:

- ۱- ترجمه
- ۲- معانی واژگان
- ۳- تصویرسازی از واژگان
- ۴- ارتباط بین واژگان
- ۵- گزاره‌نویسی از سوره (نکات سوره)
- ۶- گزاره‌های کلی سوره
- ۷- گزاره‌های سوره از منظر تفسیر المیزان
- ۸- نزدیک شدن به غرض سوره
- ۹- طهارت سوره

### اجرای مراحل گفته شده در «سوره مبارکه قلوق»

بسم الله الرحمن الرحيم

قل اعوذ برب الفلق

من شر ما خلق

و من شر غاسق اذا وقب

و من شر نفاثات في العقد

و من شر حاسد اذا حسد

مرحله اول: ترجمه

- ✓ به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی‌اش همیشگی. (۱)
- ✓ بگو: به پروردگار سپیده دم پناه می‌برم، (۱)
- ✓ از زیان آنچه آفرید، (۲)
- ✓ و از زیان شب هنگامی که با تاریکی‌اش درآید [که در آن تاریکی انواع حیوانات موذی و انسان‌های فاسق و فاجر برای ضربه زدن به انسان در کمین‌اند] (۳)
- ✓ و از زیان زنان دمنده [که افسون و جادو] در گره‌ها [می‌دمند و با این کار شیطانی در زندگی فرد، خانواده و جامعه خسارت به بار می‌آورند] (۴)

- توجه مهم: قرار است آنقدر با سوره مبارکه فلق زندگی کنیم تا این سوره با تارو پودمان آمیخته و عجین شود.
- باید تا می‌توانیم از سوره برای خود سؤال مطرح کنیم. البته نباید انتظار داشته باشیم که همه سؤالاتمان پاسخ داده شود.
- حُسن السئوال نصف العلم. یعنی سؤال خوب پرسیدن نصف علم است زیرا سؤال خوب حاصل یک توجه و تفکر است، نصف معرفت می‌باشد.
- نکته درباره سؤال پرسیدن: مرحوم آقای دولابی مضمون این جمله را داشتند که: آدم‌ها میزان رشد و توانمندی‌شان به میزان سؤالاتی است که پرسیده‌اند نه سؤالاتی که پرسیده‌اند.
- در رسیدن به پاسخ سؤالاتمان باید صبر داشته باشیم. بعضی از سؤالات به اصطلاح باید خیس بخورند و سال‌ها بعد به جواب آن‌ها برسیم آنگاه مانند سیر ۹ ساله می‌شود که حالت دارو برای انسان دارد.
- در باب ادب و اصول سؤال پرسیدن کتاب منیه المرید شهید ثانی بسیار مفید است.
- نکته مهم: کسی که تدبیر کار می‌کند باید کم‌کم از ترجمه به سمت معانی عمیق‌تر از واژگان برود زیرا تا حدودی مترجمین در ترجمه آیات دستشان بسته است لذا باید با معانی عمیق‌تر واژه‌ها کار کنیم.
- واژگان سوره مبارکه فلق:

✓ **قَلْبٌ**: ابراز کردن آنچه در قلب است به هر وسیله ممکن

✓ **اعوذُ**: پناه بردن به ملجأ و پناهگاهی که بتواند انسان را در برابر آسیب در امان نگاه دارد.

✓ **رَبِّ**: سوق دادن به سمت کمال

✓ **فَلَقٌ**: شکاف بین دو چیز یا نشانه بین دو طرف، مانند سپیده‌دم زیرا شب و روز را از هم جدا می‌کند.

✓ **شَرٌّ**: انتخاب آن چیزی که مبنای عقلی و شرعی نداشته باشد. به طور دقیق‌تر، شرّ به اختیار و انتخاب ما برمی‌گردد. (نکته:

منظور از عقل در ادبیات قرآن، «فطرت» است)

با این تعریف «بلاء» زیرمجموعه شرّ نیست زیرا اگر ابتلائی اتفاق بیفتد اما در آن موقعیت بر اساس عقل و حکم خدا رفتار

شود، آن بلاء برایش شرّ نخواهد بود.

لذا خدا به اینکه زمین دهان باز کند و یا سیل و زلزله آید شرّ نمی‌گوید بلکه به اینکه کسی دچار خطا و اشتباه شود، شرّ

می‌گوید.

احدی در این عالم به کسی نمی‌تواند شرّ برساند تا خود آن فرد نخواهد.

✓ **خَلْقٌ**: ایجاد یک چیز جدید از اجزاء قبلی است یعنی به معنای آفریدن از عدم نیست (فَطَرَ) برای همین خلق هم کار

خداست و هم کار بندگان خدا. البته انسان‌ها خلق جدید انجام نمی‌دهند (بیداً).

✓ **عَسَقٌ**: تاریکی وقتی فراگیر می‌شود. یعنی مطلق تاریکی. البته تاریکی به اعتبار شروع‌اش «غاسق» است و وقتی جاگیر شود

«وَقَب» گویند.

✓ **نَفْثٌ**: فوتی که آب دهان در آن باشد. نفاثات از مهم‌ترین ابزارآلات جادو بوده است.

✓ **عَقْدٌ**: به معنای مطلق پیمان است و به معنای گره نیست. البته در استعمالاتی که عرب آورده‌اند عَقْد را به معنای گره نیز آورده‌اند یعنی به معنای منفی به کار برده‌اند. در هر صورت «نفاثات فی العقد» آنهایی است که پیمان‌ها را سست می‌کنند. «عقد» مثبت است اما «نفاثات فی العقد» کسانی هستند که پیمان‌ها را گره می‌اندازند و مانع ایجاد می‌کنند. مثال: کسانی که بین دو برادر یا دو شریک یا زن و شوهری را به هم می‌زنند.

✓ **حَسَدٌ**: طلب زایل شدن نعمت از دیگری است. یعنی کسی مایل باشد که نعمت از دیگری زایل شود.

- توجه: تمامی معانی واژگان که در کتاب مقدمات تدبر در قرآن آمده است از کتاب التحقیق فی کلمات القرآن الکریم نوشته علامه مصطفوی آورده شده است.

### مرحله سوم: تصویرسازی واژگان

- در تصویرسازی یعنی معنی‌ای که از واژه خواندیم را در چه جاهایی می‌بینیم.

• **قَلْبٌ**: ابراز آنچه در قلب است. مثال: ایماء و اشاره کردن، سخن گفتن، نوشتن، گریه کردن، عمل هنگامی که به خاطر ابراز انجام می‌شود و ... همه اینها قُل هستند.

• **پِنَاهُ پَرْدُنٌ**: پناه بردن بچه به مادر، پناه بردن ما به ائمه و ...

• **رَبٌّ**: مراقبت یک باغبان از گیاه، استادی که شاگردانی را تربیت می‌کند، مادر و پدر برای کودک و ...

• **فَلَقٌ**: شکافی که وسط دانه است. مثال: فرآیند تولد هم فلق است، مرگ نیز فلق است زیرا مرگ هم ابانه‌ای است که دو طرف ایجاد می‌کند.

نکته: آنچه را که تمایز خوب و بد ایجاد می‌کند فلق نمی‌گویند بلکه «تمیز» یا «فرقان» گویند زیرا فلق در دل ماجراست و قبل و بعد ایجاد می‌کند.

### ❖ توضیحاتی درباره واژه «فلق»:

- فلق نشانه‌ای است در میان حرکت که «قبل و بعد حرکت»، یا «مبدأ و مقصد» یا «نقطه موجود و مطلوب حرکت» را مشخص می‌کند.

- نکته مهم: «فلق» از جنس خود حرکت است اما نشانه‌ای است که می‌گوید: دوران قلبی دارد تمام می‌شود و دوران جدید دارد شروع می‌شود.

- فلق عنصر بسیار مهم و عجیبی در زندگی است. فلق مانند «نقطه عطف» است.

- فلق همیشه مثبت است حتی وقتی انسان به سمت منفی حرکت می‌کند و فلقی مشاهده می‌کند، خود فلق مثبت است چون نشانه‌ای است برای انسان. مثال: مصرف سیگار در فردی او را دچار عارضه قلبی می‌کند و این فلقی است که او را آگاه می‌کند که تو داری به مسیر بدی می‌روی. فلق در زندگی بسیار لازم و خوب است زیرا ما را آگاه می‌کند. نشانه‌ای که در دل جریان یک مسیر اتفاق می‌افتد. هیچ حرکتی نیست که در آن فلق وجود نداشته باشد. مقصد وقتی به تمامی اتفاق نیفتاده است نشانه‌اش را به ما نشان می‌دهد.

- مثال دیگر: تصمیم به قبولی در کنکور داریم. حرکتی را برای مطالعه شروع می‌کنیم. برنامه‌ریزی می‌کنیم تا در طول شش ماه کتب را بریا مطالعه تمام کنیم. حال اگر بعد از دو ماه اگر نتوانسته باشیم آن اندازه که مشخص کرده‌ایم مطالعه کنیم، این فلتی است برای اینکه عقب هستیم و نمی‌توانیم به قبولی دست پیدا کنیم.

- نشانه‌ها و فلت‌ها به ما نشان می‌دهد که به کدام سمت حرکت می‌کنیم.

- توجه: اگر کسی اهل فلت‌شناسی باشد نوعاً در دوراهی نمی‌ماند و فلت، جهت را به انسان نشان می‌دهد. باید به فلت توجه کرد تا مشکل حل شود و راه صحیح را انتخاب کنیم.

- نکته مهم: سیر حرکت ما در زندگی هیچ‌گاه اتفاقی نیست. افراد اشتباه می‌پندارند که حرّ دفعتاً و یکباره برگشت. هیچ‌گاه دفعتاً و یکباره در زندگی اتفاقی نمی‌افتد.

- اگر مسیر غلط می‌رویم، فلت به ما کمک می‌کند که مسیرمان را اصلاح کنیم و اگر مسیر درست می‌رویم، فلت به ما کمک می‌کند در مسیرمان ثابت قدم شویم. لذا همه کارهای زندگی اگر حرکت باشند، فلت دارند.

- اگر کسی اهل فلت‌شناسی باشد هیچ‌گاه در دوراهی گیر نمی‌کند.

- نکته: فلت با فرقان متفاوت است. فرقان حقی است که می‌آید و حق و باطل را از هم جدا می‌کند.

- هیچ‌کس نیست در زندگی‌اش فلت نداشته باشد. خدا در قیامت با فلت‌هایی که در زندگی ما قرار داده است با ما احتجاج خواهد کرد.

- نکته: می‌شود که انسان مرتکب گناهی شود اما همین گناه برای او فلت شود و باعث گردد که او مسیرش را تغییر دهد. مثلاً به کسی حسادت ورزد و بفهمد که روشش را باید عوض کند و .... آن گناه باعث رشد در انسان می‌شود.

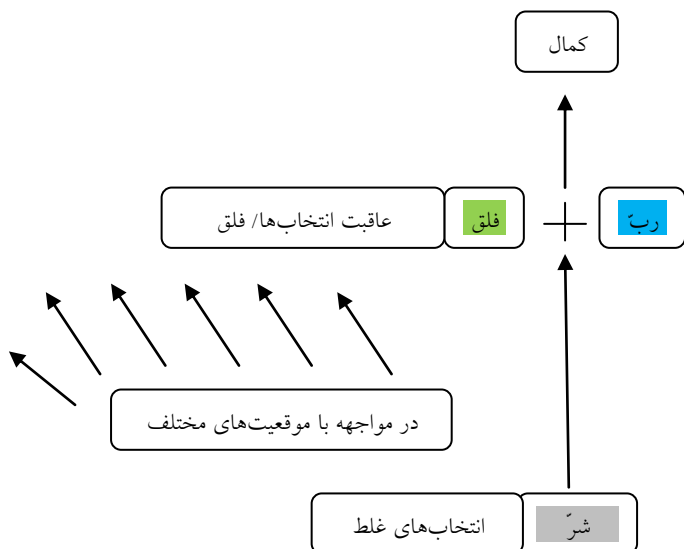
- یکی از راه‌های مهم فعال شدن علم فلت‌شناسی در انسان، «قرآن خواندن» است زیرا قرآن عواقب را نیز به انسان نشان می‌دهد.

- در زندگی اجتماعی فلت‌شناسی بسیار مهم است. اگر آدم‌ها فلت‌شناس می‌بودند از وقایع دوران امیرالمؤمنین می‌توانستند وقایع کربلا را پیش‌بینی کنند و حال اگر کسی فلت‌شناس باشد از روی کربلای امام حسین (ع) می‌تواند وقایع هنگام ظهور حضرت حجت را پیش‌بینی کند.

- دغدغه قرآن رشد انسان‌ها است لذا بسیاری از وقایع را به صورت فلت مطرح کرده است مثلاً اگر دیدید در جامعه‌ای روابط همجنس‌گرایی روتین می‌شود منتظر عذابی مانند قوم لوط باشید یا اگر دیدید کسی شروع کرد به تیکه انداختن منتظر باش که قلب خودش از تکه انداختن آتش بگیرد.

- قرآن پر است از فلت‌های متفاوت. قبل از اینکه اتفاق بیفتد فلت‌های زیادی را مثال زده است تا انسان‌ها متوجه شوند.

- یک قوم در عالم فلت‌شناس بودند لذا عذاب از آنها برداشته شد و آن قوم حضرت یونس (ع) بود که بلافاصله نشانه‌هایی از عذاب دیدند و توبه کردند لذا عذاب از آنها برداشته شد.



- سؤال: چرا انسان در مواجهه با شرّ به ربّ فلُق پناه می‌برد؟  
 - پاسخ: شرّ آمده است تا من انتخاب‌های غلط داشته باشم، حال اگر من در مواجهه با موقعیت‌های مختلف عاقبت انتخاب‌هایم را با فلُق شناسایی کنم و سپس آن عاقبتی را انتخاب کنم که به سمت کمال است، هیچ‌گاه دچار شرّ نمی‌شوم.

- «پناه بردن به ربّ فلُق» یعنی همین که انسان در موقعیت‌های مختلف به برکت بهره‌مندی از فلُق‌هایی که خداوند در مسیرش قرار داده است انتخاب‌های به سمت کمال را شناخته و آنها را برمی‌گزیند پناه بردن به خداوند است. اگر در زندگی نشانه‌ای نداشتیم یعنی خدا، «فلُق‌ها» را در مسیر راهمان قرار نمی‌داد، هرگز نمی‌توانستیم بفهمیم و پناه ببریم. لذا پناه بردن در این سوره یک پناه بردن ظاهری نیست همین که انسان در موقعیت‌های مختلف از زندگی، به برکت فلُق‌هایی که خدا قرار داده است انتخاب با عاقبت‌های مختلف را بشناسد و انتخاب با عاقبت خیر و کمال را برگزیند، یعنی «پناه برده است».

- نکته: اگر همه کارها را انجام دادیم و نتوانستیم رجحان پیدا کنیم و حالت شکّ یعنی پنجاه پنجاه برایمان حاصل شد، آنگاه استخاره انجام می‌دهیم نه اینکه در ابتدای کار بدون تعقل و مشورت و ... استخاره کنیم.

- خدا هیچ‌گاه فرد را بدون فلُق نمی‌گذارد و اگر فلقی مشاهده نکردیم اشکال از ماست. خدا حتی برای انسان کافر هم فلُق قرار داده است اما کافر چنان با سرعت در کفرش جلو می‌رود که نمی‌تواند فلُق‌ها را ببیند.

- معنای ربّ با استفاده از خود سوره: «ربّ» آن خدای مستجمع جمیع کمالی است که به واسطه فلُق راه رسیدن به کمالش را برای هر موجودی باز کرده است.

#### ✚ مرحله ششم: گزاره‌های کلی سوره

- هیچ موجودی در عالم، تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند به ما شرّ برساند اگر ما فلُق‌شناس بوده و بر اساس فلُق مسیر حرکت به سمت کمال را دائم طی کنیم.

- منظور از گزاره کلی این است که به قوانینی برسیم که همیشه جاری است. (یعنی در همه زمان‌ها، مکان‌ها و برای همه انسان‌ها ...)

#### ✚ مرحله هفتم: گزاره‌های سوره از منظر تفسیر المیزان

- خودمان المیزان را مطالعه کنیم.

#### ✚ مرحله هشتم: نزدیک شدن به غرض سوره

- غرض سوره صرفاً بیان نکات کلی از سوره نیست بلکه بیانی است که بتوان همه آیات سوره را ذیل آن قرار داد.

- نکته: در «گزاره کلی» قصدمان نوشتن گزاره‌ای است که از زمان، مکان و ... فارغ باشد اما در «غرض» می‌خواهیم به چیزی برسیم

که همه سوره به آن ربط دارد.

- نکته: گمانه‌زنی اشکال ندارد اما زمانی حق داریم گزاره‌هایی را به عنوان گزاره خارج از کلاس ببریم که بتوانیم آن را با قرینه‌ای مانند قرآن یا روایات تطبیق دهیم.

- قانون کلی در قرآن خواندن (مهم): «قرآن» وقتی در جایی چیزی را می‌شمارد، نوعاً در بیان شمردن «حصر» دارد. یعنی مثلاً در

همین سوره وقتی سه حوزه شرّ را بیان کرده یعنی اینها دو شرّ یا چهار شرّ نخواهند بود. قرآن در شمردن‌هایش حصر دارد.

- آقای قرائتی می‌فرماید: وقتی خدا واژه‌ای را در سوره‌ای به کار برده است، همه می‌گویند چرا این واژه آمد اما ما می‌گوییم چرا

فلان واژه و فلان واژه نیامده است. زیرا قرآن در استفاده از واژه‌هایش حصر دارد. یعنی فقط همین واژه‌ای که آمده می‌توانست بیاید.

- فکر کردن در حصرهای قرآن بسیار شیرین است. دغدغه بشر همیشه این بوده که به علمش چارچوب بدهد و چون علم بشر تجربی

است لذا مؤلفه‌ها کم و زیاد می‌شوند اما در علم الهی این‌گونه نیست، کاملاً حصر دارد لذا قرآن حصر دارد. علم بشر امروزه از چنین

دستگاهی خالی است. پس این سوره همه‌ی شرور عالم را در این سه شرّ جمع کرده است.

- برای نوشتن غرض سوره می‌توانیم به گزاره‌هایی استناد کنیم که مُتَقَن هستند. نباید گمانه‌زنی‌هایمان را هنگام گفتن غرض وارد کنیم.

- توجه مهم: یکی از تقوای مهم در مطالعه قرآن این است که وقتی ذهن انسان به گمانه‌هایی می‌رود تا برای آن قرینه پیدا نکرده

است از آنها استفاده نکند.

- بر اساس سوره مبارکه فلق انسان در مسیر حرکت دچار سه نقص می‌شود:

❖ نقص اول: گم کردن کمال و عدم بهره‌مندی از هدایت فلق (غاسق)

❖ نقص دوم: ایجاد موانع در مسیر حرکت به‌گونه‌ای که فرد را از حرکت به سمت کمال منصرف کند. (نفاثات)

❖ نقص سوم: از دست دادن توان فرد در حرکت دادن (زایل شدن نعمت) (حسد)

نکته مهم: هنگام نوشتن غرض نباید از گمانه‌ها استفاده کرد بلکه فقط باید از جملات مُتَقَن سوره استفاده کرد.

مثلاً غرض برای این سوره: هر انسانی باید به سمت کمال حرکت کند او در حرکت به سمت کمالش در معرض انتخاب‌ها و

اختیارهایی است که باید انتخاب‌های درست به سمت کمال داشته باشد آسیب‌های پنهانی زیادی در اطراف زندگی انسان است که

می‌خواهد او را به انتخاب نادرست بیندازد تا به کمالش نرسد.

مرحله آخر: طهارت سوره

\* کاری عملی بگویید که با توجه به نکته‌ها و گزاره‌ها و غرض سوره، افراد در طول یک هفته آن را انجام دهند.

- جلوی ابراز حسادت را بگیریم. در سحر یا افطار برای آنان که نسبت به آنها حسادت داریم، دعا کنیم.
- برای انتخاب‌هایمان حتماً دلیل عقلی و شرعی داشته باشیم تا دچار شرّ نشویم.
- بسم الله این سوره یعنی: حواسمان باشد به اسم الله رحمن رحیم باید پناه ببریم.
- هرکسی یک صفت منفی‌اش را در نظر بگیرد و جاهایی که صفت می‌خواهد بروز کند، جلویش بایستد. مثلاً وقتی عصبانی می‌شویم قبل از اینکه سروکله عصبانیت پیدا شود جلویش را بگیریم.

اللهم صل على محمد وآل محمد واحمد الله رب العالمين